



چرا واژه‌گزینی ضرورت دارد؟



غلامعلی حداد عادل
رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی

مقدمه

در نگاه نخست، انتشار یادداشتی درباره «واژه‌گزینی» در یک نشریه تخصصی مهندسی، ممکن است بی‌ارتباط با دغدغه‌های فنی و حرفه‌ای به نظر برسد. اما تجربه زیسته مهندسان، پژوهشگران و تدوین‌گران اسناد فنی نشان می‌دهد که زبان، صرفاً ابزار بیان دانش نیست، بلکه بخشی از زیرساخت پدیدآوردن، جابه‌جایی و پایدار کردن دانش تخصصی است. آشفته‌گی در به‌کارگیری اصطلاح- (زبان‌زد) ها فنی بیگانه، نبود برابر نهاد‌های دقیق و پذیرفته‌شده فارسی و ناهماهنگی در زبان اسناد و مقررات، خود به بازدارنده‌ای در راه دریافت مشترک، آموزش کارآمد و پیشرفت کیفیت ارتباطات حرفه‌ای بدل شده است.

از همین منظر، سازمان نظام‌مهندسی ساختمان در نامه‌ای رسمی، آمادگی خود را برای همکاری با فرهنگستان زبان و ادب فارسی در فرایند واژه‌گزینی، به‌ویژه در حوزه‌های فنی و مهندسی، اعلام کرده است. بازنشر گزیده این مقاله به قلم رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی، در نشریه «شمس»، تلاشی است برای گشودن یک گفت‌وگوی بایسته: گفت‌وگویی درباره نسبت زبان فارسی با دانش و فناوری و ضرورت سامان‌مند شدن «واژه‌گزینی در رشته‌های مهندسی». امید است این گام، زمینه‌ساز روی‌آوری بیشتر جامعه مهندسی به زبان تخصصی حرفه خود و همکاری پویاتر در فرایند پدیدآوری و پایدارسازی واژگان مهندسی باشد.

شماره: ۱۳۰۰۰۰۰۰۰
تاریخ: ۱۳۹۸/۰۸/۱۳
شماره: ۱۳۹۸/۰۸/۱۳
تاریخ: ۱۳۹۸/۰۸/۱۳

کتاب آیین نام‌گذاری واژگان تخصصی
رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی

مقدمه
مهندسی، به‌عنوان یکی از حوزه‌های مهم و پیچیده در دنیای امروز، نیازمند واژه‌های تخصصی و دقیق است. این واژه‌ها نه تنها ابزاری برای انتقال دانش هستند، بلکه پایه‌ای برای نوآوری و پیشرفت در این حوزه‌ها می‌باشند. فرهنگستان زبان و ادب فارسی، با توجه به اهمیت این موضوع، اقدام به تدوین و انتشار کتاب «آیین نام‌گذاری واژگان تخصصی» کرده است. این کتاب، راهنمایی عملی برای مهندسان و متخصصان در زمینه انتخاب و به‌کارگیری واژه‌های مناسب و استاندارد است. در این کتاب، به روش‌های مختلف برای استخراج واژه‌های تخصصی، معیارهای انتخاب، و همچنین نحوه استفاده صحیح از این واژه‌ها در اسناد فنی و تخصصی پرداخته شده است. امید است این کتاب، به‌عنوان یک مرجع معتبر و کاربردی، در ارتقای کیفیت و دقت در نام‌گذاری واژگان تخصصی فارسی، نقش بسزایی ایفا کند.

رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی

غلامعلی حداد عادل



چکیده

در میان دانشگاهیان و تحصیل کرده‌های جامعه ما هستند کسانی که با اقامه چند دلیل معتقدند لازم نیست ما وقت و نیرو و سرمایه خود را صرف یافتن معادل‌های فارسی برای اصطلاحات علمی فرنگی کنیم، اما ما نیز معتقدیم واژه‌گزینی ضرورت دارد و برای آن دلایلی در دست داریم. زبان فارسی بخشی از هویت و فرهنگ ماست و ضعیف شدن آن یعنی ضعیف شدن فرهنگ و از دست دادن اعتماد به نفس فارسی‌زبانان در عرصه‌های علمی و اجتماعی از سوی دیگر ورود لغات بیگانه به یک زبان اگر از حد بگذرد، هویت و ماهیت و ساختار آن زبان را در هم می‌شکند نخستین آسیبی که بر اثر کثرت لغات بیگانه به یک زبان وارد می‌شود، بروز تیرگی معنایی در آن زبان است؛ آسیب دیگر ابهام در نقش دستوری کلمات است؛ و سه دیگر آسیبی است که به موسیقی زبان وارد می‌شود. اگر کاری که فرهنگستان در واژه‌گزینی می‌کند الگویی شود برای استادان و متخصصان علاقه‌مند به زبان فارسی، تا آن‌ها خود، بر طبق آن الگو واژه‌سازی و واژه‌گزینی کنند، این امید وجود دارد که زبان فارسی با امکانات ذاتی خود و با همت همگان روزی زبان علم شود. چشم‌اندازی که فرهنگستان برای آینده واژه‌گزینی در نظر دارد این است که واژه‌گزینی را به صورت یک علم درآورد و با تعلیم آن علم به مستعدان متخصص واژه‌گزینی تربیت کند و کاری کند که این متخصصان در کنار استادان هر رشته واژه‌گزینی را به صورت یک فعالیت گسترده درآورند. البته می‌توان بر زبان خارجی مسلط بود و از کتاب‌ها و مقالات خارجی استفاده کرد و در عین حال علم را در ایران به زبان فارسی تولید و منتشر کرد.

کلیدواژه‌ها: زبان فارسی، هویت ملی، تیرگی معنایی، روشنی معنایی، ابهام در نقش دستوری، موسیقی زبان، زبان علم.

هشتاد سال از تأسیس اولین فرهنگستان ایران (۱۳۱۴-۱۳۳۲) می‌گذرد. در همه این سال‌ها مردم ایران، عموماً، با شنیدن نام فرهنگستان به یاد واژه‌گزینی افتاده‌اند و کار اصلی و وظیفه مهم فرهنگستان را واژه‌گزینی دانسته‌اند، هر چند وظیفه هیچ یک از سه فرهنگستان زبان و ادب پرریز و دیروز و امروز به واژه‌گزینی محدود و منحصر نبوده است. امروز هم که

تلاش برای جانشین ساختن هم‌سنگ‌های فارسی به جای واژه‌ها و اصطلاحات بیگانه همواره در سده گذشته در جامعه ما محل گفت‌وگو و موضوع چون و چرا و انواع واکنش‌ها بوده است.

بیست‌وپنج سال از تأسیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی در جمهوری اسلامی ایران می‌گذرد با آنکه گروه واژه‌گزینی تنها یکی از پانزده گروه پژوهشی این فرهنگستان است، عامه مردم فرهنگستان را با واژه‌گزینی می‌شناسند.

واژه‌گزینی به حکم ماهیت خود، از جمله اموری است که توجه عوام و خواص را، توأمأ، جلب می‌کند. تلاش برای جانشین ساختن معادل‌های فارسی به جای لغات و اصطلاحات بیگانه همواره در قرن اخیر در جامعه ما محل مناقشه و موضوع چون و چرا انواع واکنش‌ها بوده است. از جمله سؤالاتی که از گذشته تا به امروز مطرح شده این است که اصولاً چرا واژه‌گزینی ضرورت دارد؟ برخی معتقدند لازم نیست وقت و نیرو و سرمایه صرف یافتن معادل‌های فارسی برای اصطلاحات علمی فرنگی شود و زبان انگلیسی را باید زبان علم دانست. گروهی دیگر این تلاش را کاری عبث و بی‌نتیجه می‌دانند و عده‌ای نیز گمان می‌کنند آموزش و تولید علم به زبان انگلیسی موجب پیشرفت علمی بیشتر می‌شود.

با وجود این استدلال‌ها، اگر ملتی مانند ملت ایران که چندین هزار سال در سرزمین خود به زبان فارسی باستان و فارسی میانه و فارسی نو یا فارسی دری سخن گفته است، به این نتیجه برسد که این زبان امروز توانایی بیان مفاهیم علمی روز را ندارد، صرف چنین احساسی اعتماد به نفس آن ملت را در هم می‌شکند. زبان بخش مهمی از هویت ما و هستی فرهنگی ما و رکنی از ارکان هویت ملی ماست. تسلیم شدن به زبان انگلیسی در عرصه علم و فناوری بدین معنی است که زبان فارسی را یا باید برای رفع حوائج روزمره به کار گرفت یا به فهم علوم و معارف قدیم محدود کرد. چنین حکمی درباره زبان



زبان‌ها، موسیقی ویژه‌ی خود را دارند و ورود واژه‌هایی با وزن و آهنگ ناآشنا، به گوش فارسی‌زبانان خوش نمی‌نشیند.

فارسی زبان علم نمی‌شود؛ اما اگر این کارالگویی برای استادان و متخصصان شود، این امید وجود دارد که زبان فارسی با امکانات ذاتی خود روزی زبان علم شود. فرهنگستان می‌کوشد واژه‌گزینی را از یک فعالیت ذوقی و تصادفی به یک فرایند علمی قابل تعلیم و قابل تعمیم بدل کند و آن را از محدوده فرهنگستان به دانشگاه‌ها و محیط‌های علم و فناوری بکشد.

زبان فارسی امروز نیز آکنده از واژه‌هایی است که در صد سال اخیر ساخته و رایج شده‌اند و بسیاری از واژه‌های پرکاربرد امروز در گذشته وجود نداشته‌اند. پاسداری از زبان فارسی باید در کشور ما فرهنگ شود و به صورت یک تربیت درآید. همت باید سلسله‌جنبان شود تا زبان فارسی زبان علم شود. قرائن روشن و امیدبخشی نشان می‌دهد که هم‌اکنون در رشته‌هایی مانند ریاضی، فیزیک، شیمی، زیست‌شناسی و علوم و فنون نظامی و حمل‌ونقل به نوعی زبان علمی دست یافته‌ایم.

اصرار بر واژه‌گزینی به معنی بی‌اعتنایی به آموختن زبان‌های خارجی نیست. می‌توان بر زبان خارجی مسلط بود و در عین حال علم را در ایران به زبان فارسی تولید و تدریس کرد. اگر راه پیشرفت در علم عدم استفاده از زبان مادری باشد، بسیاری از ملت‌ها باید زبان خود را کنار می‌گذاشتند؛ حال آنکه فرانسوی‌ها، آلمانی‌ها، روس‌ها، چینی‌ها و ژاپنی‌ها چنین نکرده‌اند. اگر زبان رکنی از ارکان هویت ملی است، هر ملتی که خواهان حفظ هویت ملی خود باشد، از واژه‌گزینی‌گریز و گریزی ندارد.^۲

پی‌نوشت

۱. بازنشر مقاله تلخیص‌شده در ویژه‌نامه فرهنگستان سال ۱۳۹۵ شماره اول صفحه ۱۷-۲۷
۲. برای مطالعه بیشتر: علاء الدین طباطبایی (۱۳۸۰) ضرورت و موانع واژه‌سازی نشر دانش، س ۱۸ ش ۱، ص ۲۸-۱۳۳ همچنین: زبان فارسی و زبان علم (مجموعه سخنرانی‌های دومین سمینار نگارش فارسی، تهران مرکز نشر دانشگاهی)

فارسی به معنی پذیرش ناتوانی یک ملت در فهم روابط و مفاهیم علمی به زبان خویش است.

مرز دقیق و قاطعی میان عرصه تخصصی علم و فناوری و فضای زندگانی عمومی وجود ندارد. کافی است دستگاهی مانند تلفن همراه اختراع شود و در مدت کوتاهی در دست و جیب عامه مردم قرار گیرد. اگر بخواهیم دست روی دست بگذاریم، زبان ما به تدریج از لغاتی انباشته می‌شود که نه عامه مردم معنای آن‌ها را می‌دانند و نه با ساخت و موسیقی زبان فارسی همخوانی دارند. آیا می‌توان گفت وقتی نام بخش‌های بیمارستان به زبان بیگانه نوشته می‌شود، این زبان تنها در محافل تخصصی محدود مانده است؟

ورود بی‌حساب واژه‌های بیگانه به یک زبان، هویت و ساختار آن زبان را در هم می‌شکند. نخستین آسیب، تیرگی معنایی است. در مقایسه میان «موبایل» و «تلفن همراه»، واژه فارسی روشنی معنایی دارد، اما واژه بیگانه برای بسیاری از فارسی‌زبانان تیره و فاقد پیوند ذهنی با مفهوم است. اگر شمار این گونه واژه‌های تیره در زبان ما فراوان شود، به تدریج کل زبان از روشنی به تیرگی می‌گراید و این با فلسفه وجودی زبان که ارتباط اذهان است منافات دارد.

آسیب دیگر، آشفتگی نقش دستوری کلمات است. در واژه‌هایی مانند امپریالیسم و امپریالیست یا تروریسم و تروریست، فارسی‌زبانان از ساخت ظاهری کلمه به نقش دستوری آن پی نمی‌برند و در کاربرد آن دچار آشفتگی می‌شوند. نمونه دیگر واژه «سرویس» است که در معانی و نقش‌های مختلفی به کار می‌رود و قانون‌مندی دستوری زبان را دچار اختلال می‌کند.

آسیب سوم، لطمه به موسیقی زبان است. زبان‌ها موسیقی خاص خود را دارند و ورود واژه‌هایی با وزن و آهنگ نامأنوس به گوش فارسی‌زبانان خوش نمی‌نشیند. اگر فارسی‌زبانان بتوانند به جای واژه‌هایی مانند هلیکوپتر و ایرپورت از بالگرد و فرودگاه استفاده کنند، موسیقی زبان خود را بهتر رعایت کرده‌اند. آیا تلفظ بالگرد برای فارسی‌زبانان آسان‌تر و خوش‌آهنگ‌تر از تلفظ هلیکوپتر نیست؟

در برابر این سخن که تولید محدود واژه‌های فارسی در برابر سیل واژگان جدید بی‌نتیجه است، باید گفت اگر واژه‌گزینی محدود به فرهنگستان بماند، زبان